



کاپولا جواب ترامپ را داد

فرانسیس فورد کاپولا در پاسخ به نظرات دونالد ترامپ مبنی بر اینکه مهاجران حیوانات خانگی می‌خورند، گفت که این حرف بسیار توهین‌آمیز است. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از هالیوود ریپورتر نوشت، فرانسیس فورد کاپولا جدیدترین چهره‌ای است که به اظهارات جدید در مناظره دونالد ترامپ پاسخ داده و متهم کردن مهاجران اسپرینگفیلد به خوردن حیوانات خانگی را توهین‌آمیز خوانده است. کاپولا در این مورد نوشته است: «در طول مناظره و وقتی مردم هائیتی تحقیر شدند، واقعا عصبانی شدم. من احساس می‌کنم مردم هائیتی جزو مهربان‌ترین، سخاوتمندانه‌ترین، بااستعدادترین و فوق‌العاده‌ترین افرادی هستند که تا به حال دیده‌ام. آن‌ها هرگز به خاطر پیروزی در شورش بردگان بخشیده نشده‌اند و از زمانی که خود را آزاد کرده‌اند مجازات شده‌اند.» همچنین جان لجنده، آهنگساز برنده اسکار که زاده اسپرینگفیلد است، نیز به اظهارات ترامپ پاسخ داده و گفته است همه ما فقط می‌خواهیم زندگی کنیم و شکوفا شویم و خانواده خود را در یک محیط سالم و امن بزرگ کنیم.



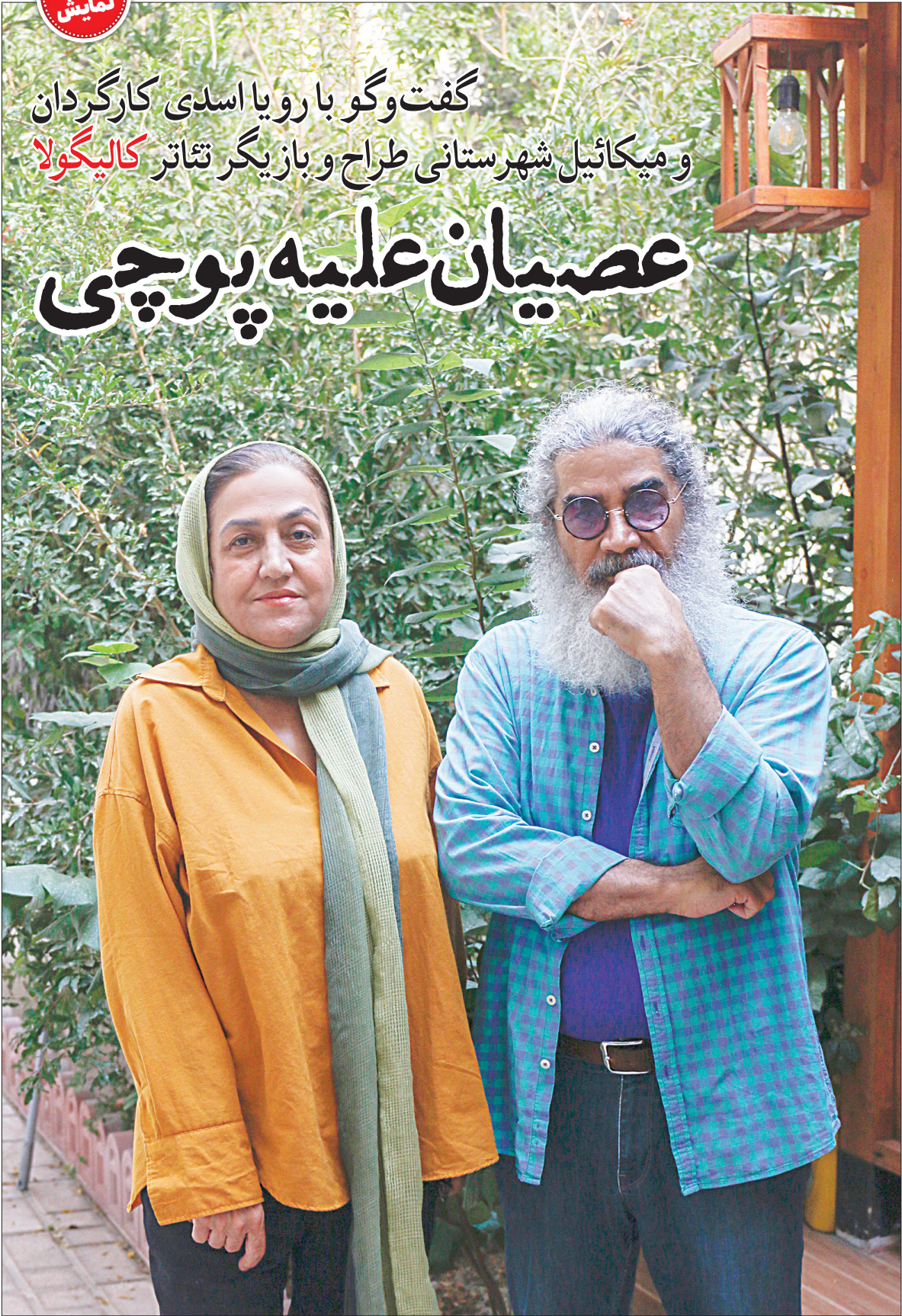
بزرگداشت پورا احمد و مهرجویی

به مناسبت پاسداشت فرهنگی روز ملی سینما؛ بزرگداشت کیومرث پورااحمد و داریوش مهرجویی با همکاری خانه سینما و خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. این مراسم با حضور سینماگران و هنرمندان دوشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۳ ساعت ۱۸ در سالن استاد ناصری خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد. داریوش مهرجویی، کارگردان سینمای ایران و همسرش، وحیده محمدی‌فر، فیلمنامه‌نویس، طراح لباس و دستیار کارگردان، شب ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ در خانه ویلایی خود در مشکین‌دشت کشته شدند. طبق اخبار منتشرشده شنبه و یکشنبه، ۲۴ و ۲۵ شهریورماه دادگاه متهمان پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش جهت رفع ابهامات پرونده مجدداً برگزار شد. دومین دوررسیدگی به این پرونده به‌دلیل نواقصی بود که دیوان عالی کشور بر پرونده وارد کرده بود. کیومرث پورااحمد، دیگر کارگردان سینمای ایران نیز چهارشنبه، ۱۶ فروردین‌ماه ۱۴۰۲ آن‌طور که گفته شد، در اثر مرگ خودخواسته درگذشت.



اجرای آهنگ «جنگ ستارگان» در فضا

سارا گیلیس، فضانورد مأموریت خصوصی پولاریس داون (Polaris Dawn) و نوازنده ویولن، موزیک ویدئوی جدیدی از نوازندگی خود در فضا منتشر کرد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، گیلیس یکی از دو فضانورد پولاریس داون بود که یک پیاده‌روی فضایی تاریخی را به‌عنوان اولین فعالیت تجاری خصوصی خارج از فضاییما در جهان انجام داد. در طول یک ساعت و ۴۶ دقیقه پیاده‌روی فضایی، گیلیس و جرد آیزاکمن فرمانده و سرمایهدار مأموریت، لباس‌های جدیدپیاده‌روی فضایی اسپیس ایکس را آزمایش کردند که به گفته این شرکت، به امکان انجام مأموریت‌های آینده هم در مدار زمین و هم در فضاهای دورتر یعنی ماه و مریخ کمک می‌کند. گلیس همچنین ویدئویی را با عنوان «هارمونی تاب‌آوری» در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرده است. آهنگ نواخته شده در این ویدئو، با عنوان Rev's Theme توسط جان ویلیامز برای «جنگ ستارگان: نیرو برمی‌خیزد» نوشته‌شده و توسط گیلیس در فضاییماي کرو در ارگون اجرا شده است.



تک‌نگار: ستاره‌کار خانمی/هم‌میهن



رضا صاظمی خبرنگار گروه فرهنگ

این روزها که مضراب ابتذال بر صحنه تئاتر زخمه می‌زند، تماشای اجرایی تازه از نمایشنامه «کالیگولا»، اثر آلبر کامو، به کارگردانی رویا اسدی و طراحی و بازی میکائیل شهرستانی و شاگردانش در سالن استاد سمندریان ایرانشهر، مرهمی بر این زخم است و البته پالایش حال در این زمانه ملال و دلمردگی. کالیگولا، در مواجهه با مرگ معشوقه‌اش دگرگون می‌شود. آگاهی از مرگ و این حقیقت که انسان‌ها می‌میرند و هیچ کس خوشبخت نیست، او را به سمت جنون سوق می‌دهد. از نظر کالیگولا، زندگی ارزشی ندارد و همین پوچی او را به سرحد ابتذال و اشتباه می‌اندازد. این نمایشنامه از نظر کامو، یک نمایشنامه‌ی «ایده» است و براساس ایده‌ی پوچی که کامو به آن معتقد بود به رشته تحریر درآمد. با رویا اسدی و میکائیل شهرستانی؛ زوج هنرمندی که اجرای تازه‌ای از این نمایشنامه کلاسیک را به صحنه بردند، به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

«کالیگولا» از آن دست نمایشنامه‌های کلاسیک است که بارها به روی صحنه رفت. چه شد که این متن را برای اجرای دوباره انتخاب کردید؟ گرچه به گمان این کار در شرایط تاریخی‌ای که به‌سر می‌بریم، معنادارتر و مماس‌تر است...

رویا اسدی: خب این نمایشنامه یک‌بار پیش از انقلاب روی صحنه رفت و دو اجرا هم بعد از انقلاب داشت که اجرای ما سومین اجرا محسوب می‌شود. آخرین اجرای آن، کار همایون غنی‌زاده بود. اما دلیل اینکه سرآغ این نمایشنامه رفتم، مفاهیم و معنایی بود که در مضمون این اثر نهفته است. تم فلسفی و پرداختن به موضوع بی‌معنایی و پوچی، آزادی و قدرت و مسئولیت انسانی، رویارویی با مسئله مرگ و سرنوشت محتوم او و یاس عمیق از درک این حقیقت که همه می‌میرند و هیچ کس خوشبخت نیست، از جنبه‌های جذاب اثر و دلایل انتخاب نمایشنامه «کالیگولا» بود. واقعیت این است که مرگ،

بررسی نمایش

گفت‌وگو با رویا اسدی کارگردان و میکائیل شهرستانی طراح و بازیگر تئاتر کالیگولا عصیان علیه پوچی

نمایشنامه که به‌ویژه به تفکرات اگزیستانسیالیسمی مرتبط است و اندیشه‌های کامو را بازتابی می‌کند، با دغدغه‌ها و رنج‌های وجودی و درونی مخاطب ارتباط برقرار کرده و امکان نوعی همدل‌پندری فردی و تاریخی را فراهم می‌کند که می‌تواند فارغ از لذت تماشا و سرگرمی، راهی به تأمل و اندیشیدن باشد؛ به‌نظم با ساخت و اجرای چنین متن‌هایی از نمایشنامه‌های کلاسیک که به وضعیت تاریخی و روانی جامعه ما ار جاع می‌دهد، فارغ از اینکه می‌توان تماشاگر را در معرض یک تجربه آگاهی‌بخش قرار داد، از فروغلتیدن آنها در آثار نازل و مبتذل که این روزها در عرصه تئاتر می‌بینیم هم جلوگیری می‌کند و درواقع می‌تواند ذائقه مخاطب را درست پرورش دهد، موافقید؟

میکائیل شهرستانی: من فکر می‌کنم فقط از جانب مخاطب نباید این اتفاق بیفتد. سیستم فرهنگ و هنر حاکم که سیاست‌گذاری می‌کند و اتاق فکر دارد، به‌نظم آگاهانه و عامدانه مسیر تئاتر را به سمت ابتذال و فضای کاسب‌کارانه و بازاری کشانده است. شما در فضای مجازی با کامنت‌هایی پر از فحاشی نسبت به چنین آثاری مواجه می‌شوید که معلوم است یک جریان منطقی به این افراد خط می‌دهد و این تخریب‌ها را هدایت می‌کند. درواقع می‌خواهم بگویم که یک جریان و گفتمان ابتدالی در عرصه هنر شکل گرفته که مخاطب خودمحصول آن است نه عامل آن. با این حال چاره و گریزی نیست که در دل همین فضا کار کرد و ایده و اندیشه خود را پیش برد. من بیش از چهار دهه است که در عرصه تئاتر مشغول کارم و خانم اسدی انقدر از خودکدشگی داشته که به‌دلیل مسئولیت زندگی و تربیت فرزند، کار عملی نکنند و به‌جای آن بنویسد که حاصلش چنین رمان و نمایشنامه‌ای بوده که آن را فعلاً سر طاقچه گذاشتیم برای روزگاری که بشود آنها را چاپ کرد. من همواره به ایشان گفتم که نوشتن را متوقف نکنند و تراوشات ذهنی خود را بنویسد حالا اگر بودیم آن را منتشر می‌کنیم و اگر نبودیم نوادگان ما آنها را چاپ می‌کنند. منظور اینکه چاره‌ای جز کار کردن نداریم و نباید تسلیم انفعال و ابتذال وضع موجود شد. اجرای این تئاتر هم مصداقی از همین روش و نگرش بود. شعار من این است که من کار می‌کنم، پس هستم. از سوی دیگر باید به تربیت هنرمندان و بازیگرانی پرداخت که هم تئاتر را جدی گرفته‌اند، هم مقاصدی غیر از منافع مالی دارند. من سال‌هاست که به تدریس و تربیت شاگرد در تئاتر مشغولم و به‌نظم یکی از مهمترین راه‌های مقابله با ابتذال در هنر، تربیت پرورش هنرمندانی است که برای هنر ارزش و اعتبار قائلند و حضور آنها در صحنه می‌تواند تغییر مثبت و کیفی در این زمینه ایجاد کند. من معلمان بزرگی در عرصه بازیگری و تئاتر داشتم و معتقدم، آنچه از آنها آموختم را باید به جوانان منتقل کنم؛ جوانانی که بخواهند بفهمند و یاد بگیرند. ماحصلش خیلی از همین افراد بودند که حالا به‌عنوان بازیگرانی قابل در مدیوم‌های مختلف کار می‌کنند و دستمزد برخی از آنها از خود من هم بیشتر است. من از خیلی فرصت‌های مالی در سینما و تلوزیون گذشتم و خودم را مقید به آموزش و تدریس هنری و تربیت شاگرد در تئاتر کردم؛ برای اینکه نمی‌خواستم به مناسباتی تن دهم که در آن رانت، پولشویی و قواعد تجاری حاکم است. این نگاه تجاری و بازاری البته در عرصه تئاتر هم وجود دارد که حتی اصول، قواعد و مبانی آن را هم زیر سوال می‌برد. فضایی ۴-۵ هزار نفر برای تماشای تئاتر می‌روند و از یک سری تکنولوژی‌های صوتی برای صدا و بیان بازیگر استفاده می‌شود، این مدیوم را از اصالت و هویت خود تهی می‌کنند و راستش نامش دیگر تئاتر نیست.

«در واقع شاهد بسط لاچر بیسم در عرصه تئاتر هستیم...

دقیقاً. درواقع این مارکتینگ است که همه قواعد، مناسبات و سیاست‌گذاری‌ها در این عرصه را تعیین می‌کند. بسیاری از بازیگران هم به‌دلیل شرایط مالی و معیشتی به این شرایط و مناسبات تن می‌دهند. انگار شاهد نوعی برده‌داری نوین در عرصه تئاتر هستیم. متأسفانه صحنه تئاتر برای برخی از تهیه‌کنندگان، کارگردان‌ها و بازیگران به‌دکان چندپنشی تبدیل شده است که از آن پول در می‌آورند و گویی آنچه بیش از همه با این عرصه بیگانه است، هنر و دغدغه‌های هنری است.

«از پیامدهای این رخداد شوربخانه حضور برخی خوانندگان در عرصه بازیگری تئاتر است...

شوربخانه‌تر اینکه بسیاری از آنها حتی خواننده خوبی هم نیستند و درواقع در حوزه تخصصی خودشان هم لنگ می‌زنند. متأسفانه به‌ویژه در دودعه اخیر، موجی از دیدگاه‌های ناپرخدانه و سلیقه‌های ساده‌پسندانه، همه را از تولیدکننده تا مصرف‌کننده تئاتر، گرفتار و آلوده کرده و به اعتبار تئاتر لطمه می‌زند که به گمان تنها از راه آموزش و تحصیل درست و دلسوزانه، کم و کمتر می‌شود. به‌نظم ذائقه مخاطب را می‌توان باز تربیت بازیگران و هنرمندان فرهیخته‌وبر جسته ارتقاء داد. البته سیاست‌های هنری هم باید بر محور حمایت از تئاتر اصیل، هویتمند و آگاهی‌بخش متمرکز شده و خود به‌عامل یا حامی جریان‌های تجاری، کاسب‌کارانه و بازاری در عرصه تئاتر تبدیل نشوند.

«چقدر نمایشنامه‌هایی که بازخوانی اندیشه‌های فلسفی است و مخاطب را به تفکر و تأمل دعوت می‌کند، در این زمانه بی‌حوصلگی هاوتنزل سلیقه‌مخاطب می‌تواند راهگشا باشد؟

اسدی: اجرای آثاری با مضمون فلسفی و اندیشه خاص در زمانی که سلیقه و افکار به سمت و سوی سطحی‌نگری گرایش دارد، می‌تواند تاثیر مثبتی داشته باشد. اغلب این نمایشنامه‌ها راه‌حلی برای دغدغه‌های بشر در دوره خاص حتی در زمان‌های دیگر هستند و این دسته از نمایش‌ها معمولاً به‌طرح مسائل پیچیده بشری و دغدغه‌های انسانی در جامعه می‌پردازد. طرح و اجرای این آثار می‌تواند به بررسی عمیق‌تر مفاهیم انسانی، اخلاقی و یافتن راه‌حل‌های مناسب برای جامعه‌منتهی شود. این کارها ذهن را به چالش می‌کشد و تماشاگران را به تفکر عمیق درباره زندگی، ارزش‌ها و وظایف بشری تشویق می‌کند. همچنین زمینه را برای گفت‌وگو و تبادل افکار آماده می‌کند. در جهان ملال‌انگیز امروز، دیدن آثار فلسفی منجر به ایجاد تجربه خاص ذهنی می‌شود. اثر این تجربه، ناب و ماندگار است. تماشاگرانی با سلاقی خاص که به دنبال عمق دادن به معنای زندگی هستند، این

«به همین دلیل است که گمان می‌کنم من با تماشای این تئاتر درواقع کاتارسیس را تجربه کردم، معانی و مفاهیم غنی این